

نخستین گلوله‌زنی به حرم مطهر امام رضا^(ع) در ۱۱۹ سال پیش به روایت روزنامه «چهره‌نما» به دلیل مسائل اقتصادی رخ داد

گلوله‌های احتکار بر تن مردم

سید قطبی-بیات| شهر مشهد در فاصله سال های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۴ قمری (آبان ۱۲۶۱ تا آبان ۱۲۶۵ خورشیدی) یکی از بحرانی ترین دوران های خود را سپری کرده است. بروز شورش های ضد حکومتی و بحران های اقتصادی را می توان شاخص ترین مسائل مشهد در این مقطع زمانی برشمرد که از این میان، شورش مردم و به گلوله بستن مردم و گنبد رضوی در دومین دوره والیگری آصف الدوله شاهسون بسیار ویژه است.

به گواه گزارش روزنامه هایی چون «چهره نما» و «حبل المتین» نخستین گلوله زنی به حرم مطهر امام رضا^(ع) توسط خود ایرانی ها و به تاریخ ۱۳ و ۱۴ صفر سال ۱۳۲۴ قمری، برابر با ۱۸ و ۱۹ فروردین ۱۲۸۵ خورشیدی اتفاق افتاده است اما خفقان حکومتی نگذاشت اخبار به موقع و کامل منتشر شود. نتیجه اینکه یک ماه بعدازاین واقعه، خبرهایی به صورت کلی و مبهم در دو روزنامه فارسی زبان منتشره در خارج از ایران انعکاس یافته است. در این گزارش که در قالب دو مطلب پیوسته منتشر خواهد شد، مطالب دو روزنامه «چهره نما» و «حبل المتین» را در سال ۱۳۲۴ قمری به عنوان تنها روایت های روزنامه نگارانه این واقعه مهم بازگو خواهیم کرد.

حاکمی که مشهد را به تاجری فروخت

علمای مشهد با آن ها همراه نشد. عاقبت رو به سوی حاج میرزا زین العابدین «رئیس الطلاب» آوردند که مترصد چنین فرصتی بود. رئیس الطلاب، برادر حاج میرزا ابراهیم شریعتمدار مجتهد سبزواری، فرزند حاج میرزا اسماعیل واز نواده های میرزا مهدی شهید و از اعقاب میرسیدولی علوی بود. او که پس از مدتی اقامت در نجف و کاظمین به مشهد آمده بود، در ۱۳۱۳ قمری نزدیک به هشتصد نفر از طلاب کرد و لر را در دور خود جمع و آن ها را به ششاول و چماق مسلح کرده و برای همین لقب رئیس الطلاب گرفته بود. او با کمک همین طلاب در مشهد دست به اقداماتی زده بود که خشم حکومت را برانگیخت و سبب شد در زمان صدارت امین الدوله تبعیدش کنند. رئیس الطلاب اگرچه در سال ۱۳۲۴ قمری مدت کمی بود که دوباره به خراسان بازگشته بود، رهبری شورش را قبول کرد و در اولین اقدام حاج محمد حسن معاون التجار را احضار کرد. رئیس الطلاب با تهدید و وعده و وعید از معاون التجار نوشته گرفت که تا سه روز دیگر قیمت نان را به منی یک قران و قیمت گوشت را به منی ۶ هزار برساند. بعدازاین توافق مردم متفرق شدند و بازارها را گشودند.

معاون التجار با وجود اینکه تعهد کاهش قیمت ها را داده بود، تصمیم به این کار نداشت، بنابراین به فکر چاره افتادو دویست نفر از کارکی های افغان* مسلح را برای محافظت به خانه اش آورد. با پایان مهلت سه روزه، مجددافقرا وطلاب درمسجد گوهرشادجمع کردند. آصف الدوله برای مقابله با مردم، به مظفرنظام دستور داد دویست سوار شاهسون را برای محافظت از معاون التجار به خانه او گسیل دارد. در این سو، رئیس الطلاب ابتدا دو نفر را نزد معاون التجار فرستاد و از او خواست به وعده اش عمل کند ولی معاون نپذیرش آن ها سراپا زد. آن هایی حصول نتیجه به مسجد بازگشتند. رئیس الطلاب این بار سی چهل نفر از طلاب را روانه کرد و دستور داد که هرطور شده معاون را به مسجد بیاورند. در راه گروه کثیری از مردم به آن ها پیوستند.

آصف الدوله حکومت خراسان را در رقابتی سخت از جنگ نیرالدوله و رکن الدوله خارج ساخته و برای به دست آوردنش بهایی هتکفت پرداخته بود. او ناچار بود مانند سایر حکام هرسال برای حفظ حکومتش مبالغی به عنوان پیشکش به شاه و صدراعظم و درباریان بپردازد. مبلغ پیشکش خراسان، نود الی ۱۲۰ هزار تومان می شد. آصف الدوله آن سال حاج محمدحسن صراف معاون التجار را برای پیشبرد کارش به تهران فرستاد. معاون التجار توانست بر رقبای او پیشی گیرد. در نتیجه آصف الدوله برای نوروز به تهران احضار نشد و بر حکومت خراسان باقی ماند. حاج محمد حسن معاون التجار، حاج علی اکبر معین التجار و حاجی عبدالرحیم که از صرافان بانفوذ مشهد بودند، سه برادر افغان و پسر حاج احمد صراف مقیم هرات بودند. آن ها زمانی تحت حمایت کنسولگری انگلیس قرار داشتند اما در ادامه باپیت ایران راگرفتند. حمایت حاج محمد حسن معاون التجار از آصف الدوله بی دلیل نبود. حاج محمدحسن پس از گرفتن حکم وفرمان ایالت خراسان برای آصف الدوله استقلال بی حدی یافت و از او اختیار نان و گوشت مشهد را گرفت. سپس با قصاب ها و خبازها سازش کرد و گوشت را از منی ۶۷۱ هزار در زمستان به منی ۱۴ هزار در بهار رساند و قیمت نان را هم از یک قران به دو قران افزایش داد.

با گرانی نان و گوشت، قیمت سایر اجناس هم در مشهد ترقی کرد. مردم ابتدا از گرانی ها به آصف الدوله شکایت کردند ولی به شکایاتشان رسیدگی نشد. با ادامه گرانی ها گروهی از مردم و سیستانی هایی که خارج مشهد سکنی داشتند در صفر ۱۳۲۴ قمری به صحن مقدس آمدند و با فریاد های «الجوع الجوع» و «گرسه نام، گرسه نام»، به مرور طلاب مدارس خیرات خان و فاضل خان هم به مردم پیوستند. طلاب پس از پیوستن به مردم به خانه علما رفتند تا آن ها را به مسجد بیاورند اما هیچ یک از

روزنامه «چهره نما»، چاپ قاهره

«چهره نما» که از اواخر دوره قاجار تا اواسط دوره پهلوی منتشر شده، پنجمین روزنامه آزاد برون مرزی ونخستین نشریه مصور فارسی زبان است که در مواجهه با نابسامانی های سیاسی نشر یافته و ادبیات تند و تیزی داشته است. چهره نما به مدیریت عبدالمحمد ایرانی (۱۲۵۰ تا ۱۳۱۴ خورشیدی) ملقب به «مؤدب السلطان» تا شماره ۲۶ (شماره دوم سال سوم) در اسکندریه نشر یافته و پس از آن، دفتر و چاپخانه اش به قاهره منتقل شده است.

روایت یکی از تجار

چهره نما، به تاریخ ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۲۴ قمری (۱۲ خرداد ۱۲۸۵ خورشیدی)

مکتوب خون فشان از خراسان به قلم یکی از تجار... دلیل بر واقعه روز سیزدهم و چهاردهم ماه صفر[۱۳۲۴] قمری برابر با ۱۸ و ۱۹ فروردین ۱۲۸۵ خورشیدی این] بود که جمعی از فقرا و ضعا و گرسنگان سی سو سالار از شدت جوع و اضطرار، پناه به خانه خدا [حرم مطهر امام رضا^(ع)] برده که از گرانی به جهت تمام اوراق اظهار دردی کنند. از آن طرف، محکتر بی انصاف، یعنی گندم فروش صراف به مفاد «الخائن خائف، خیانتکار همواره ترسان است، به گمان اینکه شاید یک دفعه، جمعیت، قوتی گرفته بر ما بیازند و کار ما را بپسازند. پس طریقه حزم و احتیاط این است که جمعیتی از اراذل و اوباش از شهری و بیرونی -که همه بسته و رعیت خودمان هستند- به دور خود جمع کرده، حاضر مدافعه باشیم. پس جمع ایادی الواد^(ع) شهر و رعایای دهات خود، فوری حاضر کرده و باز به این ها هم قناعت نکرده که مبادا این ها نیز که اهل این شهر و اهل یک وطن و مذهب اند، طرف مقابل را مظلوم و بی گناه بدیده، از راه ملت پرستی با آن ها همدست باشند، خوب است جمعی از هم وطنان عزیز و یاران قدیم خود را احضار نماییم.

این بود که جمعی از کاکوری های افغان حاضر کرده و به دست هر کدام تفنگی ازورندل و مارتین، آنچه داشته داده، در سر بازار و بالای اام ها منتظر وقت و مترصد فرصت بودند. در صورتی که از جانب ایالت، آنچه لازمه حفظ مملکت و جلوگیری از اغتشاش بود، سرباز و پلیس و غیره در تمام نقاط و خارج بست گماشته بودند که نگذارند شورش بشود و جمعیت از داخل بست بیرون بیاید. مبادا فساد ی راه بیفتد. خداوند ترجم فرموده که از جانب ایالت این قسم جلوگیری مصنوعی شده والا... جمعی در مسجد جمع بودند که در میان آن ها یک نفر از کسبه بازار یا الواط و اشرا ابدان بود. همه زن های بی کس و بعضی از فقرا و ضعا و پریشان روزگاران و جمعی از طلبا را حمایت خودشان آورده بودند. شاید به معیت ایشان، چند نفر از علما را به مسجد آورده به داد خواهی ایشان عرض تظلمی نمایند، کدام علما و آقایان؟

آن هایی که عالم و عامل اند و غم خوار اسلام و مسلمانان، چند نفری در این بلد مقدس هستند، ولی ابد اخودشان را بدین گونه امور داخل نموده، حالت ایشان مثل حال انه دین در زمان سلطنت آل عباس است. دیگران که متولی امور جمهوریند، چه عرض کنم در چه خیال اند و با که یار و همراه اند.

بیچاره مردم فقیر نادان چه خیالات خامی دارند.

نخستین گلوله‌زنی به حرم مطهر امام رضا^(ع) در ۱۱۹ سال پیش به روایت روزنامه «چهره‌نما» به دلیل مسائل اقتصادی رخ داد

بخش اول



خبر نخستین گلوله زنی به حرم در روزنامه چهره‌نما، شماره ۱۸، تاریخ ۳ خرداد ۱۲۸۵ خورشیدی / صفحه ۱۲

خبر مشهدی در مصر منتشر شد

چهره نما، به تاریخ اول ربیع الثانی ۱۳۲۴ قمری (۳ خرداد ۱۲۸۵ خورشیدی)

مشهد: وقایع نگار چهره نما می نگارد: «در این ایام ماه صفر از شدت گرانی در مشهد شورش برپا شد که چند نفر رعیت بی گناه بیچاره در [این] میان، کشته و زخمی شد. ولی نه از جانب حکومت، خلاصه بیچاره مردم از تاب قحطی نان و نایابی آن به طریق اجتماع خواستند پناه به روضه مطهره منوره رضوی ببرند. محکترین بی انصاف خدانشناس از ترس آنکه کار آن ها خراب می شود، درصدد آن ها برآمده، چند نفر افغانی و غیره را بر در صحن مقدس گذاشته، مانع آن ها شدند. از طرفین بنای مهاجم و مدافعه گردید. عاقبت چند نفر بی گناه از عابر و ساکن به خاک و خون غلتیدند. یک نفر طلبه بیچاره از اهل گنجه و یک سقاچی و یک دوره گرد که این ها هلاک شدند و قریب سی نفر زخمی شدند که بعضی با [وجود تلاش زیاد] حکیم ها و جراح های ماهر، جان داده و سایرین هم درصدد و شرف رفتند...»

روایت یکی از طلبه های خراسانی

چهره نما، به تاریخ اول جمادی الاولی ۱۳۲۴ قمری (یکم تیر ۱۲۸۵ خورشیدی)

نزفت، مردم هجوم آوردند و به خانه حاجی [محمد حسن] نزدیک شدند. آن ها اول با چوب و سنگ از پشت بام مشغول مدافعه شدند. مردم به چوب و سنگ اعتنایی نکردند، به در خانه حاجی محمد حسن آمدند، در خانه را شکستند. سر جمعیت داخل به خانه شدند. شاهسون ها و خود حاجی امر به شلیک نموده. مردم که صدای تفنگ شنیدند، فرار کردند. به مسجد مراجعت نمودند، آن وقت حاجی امر کرد که جمعیت را از مسجد فرار دهند. چون از پشت بام خانه حاجی به پشت بام مسجد [راه داشت] به توی مسجد چندین بار شلیک کردند. مردم مثل برگ خزان روی هم کشته و زخمی ریختند و به حرم محترم پناه بردند. چندین گلوله به گنبد مطهر زدند. دیوارهای مسجد همه مشیک و سوراخ سوراخ شد و کاشی ها از دیوارها ریخته شد. اجساد کشته [ها] و زخمی [ها] توی مسجد [بود]. امر کردند کشته ها را از مسجد بیرون ببرند.

این حاصل واقعه فجیعیه و مصیبت عظیمه ای است که در ارض اقدس واقع شده که صفحات تاریخ نظیر او را در این مکان مقدس نشان نداده. در عهد هیچ سلطان سنی و شیعه، چنین واقعه غریبه عظیمه اتفاق نیفتاده که کسی رو به حرم محترم و گنبد مطهر حضرت رضا ^(ع) توب یا تفنگ خالی نماید که شبکه های گنبد مطهر از ضرب گلوله سوراخ شود. این بیچارگان حرفشان این بود قیمت ها را قدری کم کنید و به نان و گوشت قدری تخفیف بدهید و ما بیچارگان را راحت از معیشت نمایید. والسلام علیکم ورحمه... و برکاته.

یک نفر طلبه خراسانی: م. ر.

مکتوب یکی از علمای جلیل، قابل توجه پرنس ارفع الدوله...! اهالی ارض اقدس و مجاورین حضرت امام رضا^(ع) و ساکنان آن بلد طلیه، صاحب چه خلاف و تقصیر بودند که باید به ضرب گلوله مارتین در مسجد گوهرشاد که صحن جنوبی حضرت رضادت و تا ضریح «اذرع است، کشته و به خون آغشته شوند و مثل برگ خزان در دم حرم محترم، سادات و طلاب و مسلمانان به روی یکدیگر بریزند. مجملأ چون که در زمستان به واسطه سختی و سردی هوا، گوسفند کم و قیمت بالا می رود، در مشهد هم گوشت شش قران [قیمت دارد]. یکی از تجار [حاجی محمد حسن معاون التجار^(ع)] که خیلی مهارت در احتکار گوشت و گندم دارد، امسال هم چنین کاری کرده [است]. این تاجر بی انصاف نان و گوشت را به قبضه اقتدار درآورده. اگر چه شعبی به معاونت دارد، اما به معاندت و خون ریزی ابنا ی خود ذره ای دریغ ندارد. تمامی خبازو قصاب بلد و شهر مشهد را فرمان بردار خود کرده و به میل و حکم او نان و گوشت قیمت گذاشته شده و می شود. خلاصه اهالی بیچاره تاب این شدت گرانند.

و نایابی خوراک یومیه را نیاورده، خصوصا فقرا و ضعا مملکت که در شیی چندین نفر در حاشیه خیابان از گرسنگی می مردند و می میرند... چون قحط و گرانی بالاگرفت و حاجی غیر ناجی ابد ا به خرشش ناله و فغان برادران



غلامرضاخان شاهسون ایناتلو ملقب به شهاب الملک و آصف الدوله یکی از حاکمان بدنام و ظالم دوران قاجار است، نام او با ماجرای فروختن دختران قوچان پیوند خورده است.

* معادل الوات به معنی سرکش

